مجله علوم پزشکی رازی دوره ۳۲، شماره پیوسته ۱۲۱، ۱۲ آبان ۱۴۰۴ https://doi.org/10.47176/rjms.32.121

مقاله پژوهشی

روابط ساختاری سبک‌های دلبستگی با طلاق عاطفی: بررسی نقش میانجی دلزدگی زناشویی

محمدرضا پیام: دانشجوی دکتری تخصصی روانشناسی، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، ایران

مجید محمودعلیلو: استاد روانشناسی بالینی، گروه روانشناسی، دانشگاه تبریز، ایران (* نویسنده مسئول) m-alilou@tabriz.ac.ir

مرضیه علیوندی وفا: استادیار روانشناسی، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، ایران

چکیده

زمینه و هدف: سبک‌های دلبستگی به عنوان عوامل مؤثر در بروز یا تداوم طلاق عاطفی و دلزدگی زناشویی در نظر گرفته می‌شوند. هدف پژوهش حاضر مدل یابی ساختاری طلاق عاطفی براساس سبک‌های دلبستگی با میانجیگری دلزدگی زناشویی می‌باشد.

روش: این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظرِ روشِ پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی می باشد. جامعهٔ آماری این پژوهش شامل کلیهٔ متقاضیان طلاق کلانشهر تبریز می باشد. تعداد ۲۵۰ نفر به شیوهٔ نمونه گیری در دسترس به عنوان نمونه انتخاب شدند و مقیاس طلاق عاطفی گاتمن، پرسشنامه سبک‌های دلبستگی و مقیاس دلزدگی زناشویی در آنها اجرا گردید. داده ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و مدل یابی معادلات ساختاری در نرم افزارهای SPSS-24 و LISREL-8.80 تحلیل گردید.

یافته‌ها: نتایج نشان داد سبک دلبستگی ایمن و دوسوگرا با طلاق عاطفی رابطه معنادار ندارد و سبک دلبستگی اجتنابی و طلاق عاطفی رابطه مثبت معنادار دارد. همچنین، سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا با دلزدگی زناشویی رابطه مثبت معنادار و سبک دلبستگی ایمن با دلزدگی زناشویی رابطه منفی معنادار دارد. نتایج مدل معادلات ساختاری نشان داد که سبک‌های دلبستگی بر طلاق عاطفی و دلزدگی زناشویی نقش مؤثری دارند. نتایج مدل معادلات ساختاری مدل قابل قبولی را نشان داد.

نتیجه‌گیری: با توجه به افزایش طلاق عاطفی می توان برنامه ای تدوین کرد تا با کمک آن بتوان سبک‌های دلبستگی پاتولوژیک را جهت دهی یا اصلاح نمود.

تعارض منافع: گزارش نشده است.

منبع حمایت‌کننده: حامی مالی ندارد.

کلیدواژه‌ها

دلزدگی زناشویی،

سبک های دلبستگی،

طلاق عاطفی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۱

تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۰۸/۱۲

شیوه استناد به این مقاله:

Payam M, Mahmoud Aliluo M, Alivandi Vafa M. Causal Relationships of Attachment Styles to Emotional Divorce: The Mediating Role of Couple Burnout. Razi J Med Sci. 2025(3 Nov);32.121.

Copyright: ©2024 The Author(s); Published by Iran University of Medical Sciences. This is an open-access article distributed under the terms of the CC BY-NC-SA 4.0 (https://creativecommons.org/licenses/by-nc-sa/4.0/deed.en).

*انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با CC BY-NC-SA 4.0 صورت گرفته است.

[Downloaded from rjms.iums.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.47176/rjms.32.121]

Razi Journal of Medical Sciences. 2025(3 Nov);32.121. https://doi.org/10.47176/rjms.32.121

Original Article

Causal Relationships of Attachment Styles to Emotional Divorce: The Mediating Role of Couple Burnout

Mohammadreza Payam: Ph.D. Candidate in Psychology, Department of Psychology, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

Majed Mahmoud Aliluo: Professor, Department of Psychology, Tabriz University, Tabriz, Iran (* Corresponding Author) m-alilou@tabriz.ac.ir

Marziyeh Alivandi Vafa: Assistant Professor, Department of Psychology, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

Abstract

Background & Aims: The study of attachment styles in relation to emotional divorce has attracted increasing attention in recent years. In any society that talks about trust, it is also possible to break it.

Recently, due to the wavering of values and changes in social norms that have caused changes in attitudes, expectations and expectations, and due to the changes that have occurred in the structure and relationships between couples, we are faced with a new division that divides divorce into two types, official and Emotionally divorce. In an official divorce, a man and a woman are legally separated from each other by referring to the court and have no obligations towards each other, but emotional divorce is the most important factor in the disintegration of the structure and the most fundamental part of society, i.e. the family, and causes the emotional disintegration of the family. it is possible.

In the explanation of emotional divorce, different approaches have been presented, each of which has tried to justify and explain the phenomenon of emotional divorce according to the psychological approaches of theorists, and for example, the theory of attachment styles proposes and explains the attachment styles of adults. If there are defective interactions between attachment styles, it provides the ground for entering the stages of emotional divorce and separation.

Another important reason that has a significant impact on emotional divorce is marital burnout. Every person starts his marital relationship with love and interest in his natural form, and his initial speculations are to maintain and continue this relationship. But sometimes, after some time, the husband and wife or both of them may have doubts about the depth and shape of their relationship, and because they do not see the necessary harmony between their expectations of life and the realities of their marriage, they may experience disappointment and disappointment. Get married

By summarizing the said material, it can be concluded that so far, various theoretical structures have been investigated and researched regarding the underlying factors related to behavioral and personality problems in divorce applicants; but few of them have come in the form of a single model that shows the mutual relations of these structures with each other. Therefore, according to the above-mentioned materials, the aim of the present study was to investigate the structural relationships of attachment styles in divorce applicants with emotional divorce mediated by marital burnout.

Methods: This research is applied in terms of its purpose and descriptive of the correlation type in terms of research method. The statistical population of this research includes all divorce applicants in Tabriz metropolis. A number of 250 people

Keywords

Marital Burnout,

Attachment Styles,

Emotional Divorce

Received: 02/08/2025

Published: 03/11/2025

[Downloaded from rjms.iums.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.47176/rjms.32.121]

were selected as a sample using convenience sampling and Gutman's Emotional Divorce Scale, Attachment Styles Questionnaire and Marital burnout Scale were implemented in them. Data were analyzed using Pearson's correlation coefficient and structural equation modeling in SPSS-24 and LISREL-8.80 software.

Results: The results showed that secure and ambivalent attachment style has no significant relationship with emotional divorce, and avoidant attachment style and emotional divorce have a significant positive relationship. Also, avoidant and ambivalent attachment style has a significant positive relationship with marital burnout and secure attachment style has a significant negative relationship with marital burnout. The results of the structural equation model showed that attachment styles have an effective role on emotional divorce and marital burnout. The results of the structural equation model showed an acceptable model.

Conclusion: The present study shows the defects in the functioning of attachment styles in the form of emotional divorce and marital burnout. This means that the interaction of these dysfunctions causes a person to choose answers in conflict situations that appear in the form of inappropriate and perhaps impulsive behaviors. In the meantime, attachment styles also influence the type of behavioral output of a person, and the environment, which acts as a personality processor and ontology, makes a person more vulnerable to behavioral abnormalities.

Conflicts of interest: None
Funding: None

Cite this article as:
Payam M, Mahmoud Aliluo M, Alivandi Vafa M. Causal Relationships of Attachment Styles to Emotional Divorce: The Mediating Role of Couple Burnout. Razi J Med Sci. 2025(3 Nov);32.121.

Copyright: ©2024 The Author(s); Published by Iran University of Medical Sciences. This is an open-access article distributed under the terms of the CC BY-NC-SA 4.0 (https://creativecommons.org/licenses/by-nc-sa/4.0/deed.en).

*This work is published under CC BY-NC-SA 4.0 licence.

[Downloaded from rjms.iums.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.47176/rjms.32.121]

مقدمه

مطالعه سبک‌های دلبستگی در رابطه با طلاق عاطفی در سال‌های اخیر توجه فزآینده ای را به خود جلب کرده است. در هر جامعه ای که صحبت از اعتماد است، امکان قطع و از هم گسستن آن نیز ممکن است، باشد. اگر ازدواج را قراردادی بین یک زوج برای زندگی مشترک بدانیم، این قرارداد همواره پابرجا نبوده و امکان فسخ آن به دلایلی وجود خواهد داشت (۱).

طلاق یک واقعه نیست، بلکه فرآیندی است که با بروز دلایلی طی زمان شکل می گیرد و سرانجام به جدایی ختم می شود. طلاق را می توان از منظرهای گوناگون اعتقادی، قانونی، فرهنگی ... مورد بررسی قرار داد، ولی آنچه همواره به عنوان طلاق مطرح بوده است، جدایی زن از شوهر یا جدایی زوجین از زندگی مشترک و فسخ عقد است. اخیراً با توجه به تزلزل در ارزش ها و تغییر هنجارهای اجتماعی که باعث تغییر در نگرش ها، انتظارات و توقعات شده و به دلیل تغییراتی که در ساختار و روابط بین زوجین پدید آمده، با تقسیم بندی جدیدی مواجهیم که طلاق را به دو نوع رسمی و عاطفی (خاموش) تفکیک می کند. در طلاق رسمی، زن و مرد با مراجعه به دادگاه به طور قانونی از یکدیگر جدا شده و هیچ تعهدی نسبت به هم ندارند، اما طلاق عاطفی به گونه ای دیگر در زندگی زوجین به وجود می‌آید (۲). طلاق عاطفی مهمترین عامل از هم گسستگی ساختار و بنیادی ترین بخش جامعه یعنی خانواده است و موجب از هم پاشیدگی عاطفی خانواده می شود. در این نوع خانواده، زن و مرد زیر یک سقف زندگی می کنند، ولی هیچ رابطه احساسی میان زوجین نیست و یا بسیار کم است. این نوع طلاق در جایی ثبت نشده و نمود عینی ندارد، اما مهمترین نوع طلاقی است که زوجین و کودکان زیادی از آن رنج می برند. در چنین خانواده هایی به دلایل متعدد، تنش روانی حکمفرماست (۳).

در تبیین طلاق عاطفی رویکردهای مختلفی ارائه گردیده است که هر کدام با توجه به رویکردهای روانشناسانهٔ نظریه پردازان سعی در توجیه و تبیین پدیده طلاق عاطفی نموده اند، به عنوان مثال نظریه سبک‌های دلبستگی، سبک های دلبستگی بزرگسالان را مطرح می کند و تبیین می کند اگر بین سبک‌های دلبستگی تعاملات معیوبی وجود داشته باشد زمینه را برای ورود به مراحل طلاق عاطفی و جدایی فراهم می‌آورد.

بالبی (۴) معتقد است که یک شخص برای رشد سالم نیاز به پیوندی عاطفی دارد. او دلبستگی را «ارتباط پایدار بین دو انسان» توصیف کرد. همچنین فرآیند شکل گیری دلبستگی (پیوند عاطفی) نوزاد و مادر را تشریح کرد و نشان داد که چگونه سامانه (سیستم) احساسات و رفتارهای دلبستگی ماهیت تصورات و تجربه های فرد را از پیوند عاطفی و روابط بین شخصی تعیین می کنند. نظریه سبک های دلبستگی، بر روابط محیط خانواده تأکید کرده و آن را بر روابط بعدی مؤثر می دانند. پژوهشگران سبک‌های دلبستگی را به عنوان عوامل پایدار و چند نسلی تلقی کرده و بیان می کنند که چگونگی تعاملات خانواده می تواند بر روابط زناشویی تأثیر بگذارند (۵). در راستای اصطلاحات نظریه کلاسیک دلبستگی، بزرگسالان دارای دلبستگی ایمن آن دسته افرادی هستند که یک حس مثبت نسبت به خود و درک مثبتی از دیگران دارند و از لحاظ اجتماعی اعتماد به نفس بیشتری دارند و موفق‌تر هستند (۶).

طبق نظریه دلبستگی، افراد هنگام برقراری رابطه نزدیک و صمیمانه یکی از این سه سبک دلبستگی را می پذیرند: ایمن، ناایمن اضطرابی، ناایمن اجتنابی (۷)! سبک دلبستگی ایمن با میل به قدردانی، توجه و فدا کردن خود به خاطر افراد نزدیک و مهم ارتباط دارد. سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی با فقدان دلبستگی و علاقه نسبت به افراد مهم و نزدیک همراه است. افراد با دلبستگی ناایمن اضطرابی در روابط صمیمانه خود احساس ناامنی و حسادت می‌کنند (۸). براساس این نظریه، تنش در روابط با عدم امنیت دلبستگی ارتباط دارد هنگامی که امنیت دلبستگی مورد تهدید قرار می گیرد، عصبانیت اولین پاسخ است. این عصبانیت اعتراضی در مقابل از دست دادن دلبستگی ایمن است. اگر چنین اعتراضی منجر به پاسخدهی نشود ممکن است با ناامیدی و فشار توأم شود و به صورت یک استراتژی مزمن برای کسب و حفظ الگو دلبستگی درآید. قدم بعدی، کندوکاو و جستجو است که بعداً منجر به افسردگی و ناامیدی می‌شود. اگر همه این

[Downloaded from rjms.iums.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.47176/rjms.32.121]

اقدامات شکست بخورد، رابطه دچار مشکل می‌شود، غم انگیز شده و جدایی رخ می‌دهد. پاسخ‌های خشن در روابط با وحشت از دلبستگی مرتبط اند که در آن زوج ها عدم امنیت خود را با اعمال کنترل و بدرفتاری نسبت به همسر خود تنظیم می‌کند. رخدادهای تروماتیک یا آسیب زایی که به پیوند بین زوجین صدمه می زنند و اگر برطرف نشوند باعث نگهداری چرخه های منفی و ناامنی در دلبستگی می شوند، از جمله آسیب های دلبستگی اند. این رخدادها هنگامی اتفاق می افتند که یک زوج نمی تواند در لحظهٔ نیاز فوری، به دیگری پاسخ دهد. رخدادهای منفی مربوط به دلبستگی، مخصوصاً ترک کردن ها و خیانت ها، اغلب باعث وارد آمدن آسیب همیشگی به روابط نزدیک می‌شوند (۹).

یکی دیگر از مهمترین علت هایی که تأثیر بسزایی بر طلاق عاطفی دارد، دلزدگی زناشویی است. هر فردی ابتدا و در شکل طبیعی اش روابط زناشویی خود را با عشق و علاقه شروع می کند و حدس و گمان های اولیه او نیز حفظ و تداوم این رابطه است. اما گاهی پس از مدتی ممکن است زن و شوهر یا هر دوی آنها نسبت به عمق و شکل روابط شان دچار تردید شوند و چون بین توقعات خود از زندگی و واقعیت‌های موجود در زناشویی شان هماهنگی لازم را نمی بینند، ممکن است دچار سرخوردگی و دلزدگی زناشویی شوند. دلزدگی زناشویی حالت دردناک فرسودگی جسمی، عاطفی و روانی است که کسانی را متأثر می‌سازد که توقع دارند عشق رویایی به زندگی شان معنا ببخشد. این حالت زمانی بروز می کند که زوجین متوجه می شوند علی رغم تلاش هایشان در ایجاد روابط صمیمی و دوستانه، این روابط به زندگی شان معنا نخواهد داد. بعبارت دیگر، دلزدگی از پا افتادن جسمی، عاطفی و روانی است که از عدم تناسب بین توقعات و واقعیت ناشی می‌شود (۱۰).

با جمع بندی مطالب گفته شده، می توان چنین نتیجه گیری کرد که تاکنون سازه های نظری مختلفی در خصوص عوامل زمینه ساز مربوط به مشکلات رفتاری و شخصیتی در متقاضیان طلاق بررسی و تحقیق شده است؛ اما تعداد کمی از آنها در قالب مدلی واحد که گویای روابط متقابل این سازه‌ها با همدیگر است، آمده است. بنابراین با توجه به مطالب مذکور، هدف پژوهش حاضر، بررسی روابط ساختاری سبک های دلبستگی در متقاضیان طلاق با طلاق عاطفی با واسطه دلزدگی زناشویی بود.

روش کار

روش این پژوهش توصیفی از نوع تحلیلی بود که در قالب مدل یابی معادلات ساختاری ارائه شد. جامعهٔ بررسی شده در این پژوهش، شامل تمامی متقاضیان طلاق کلانشهر تبریز در سال ۱۴۰۰ بود. هویل (۱۱) و لولین (۱۲) تأکید کردند که برای استفاده از روش مدل یابی ساختاری حجم نمونه حداقل باید صد نفر باشد و حجم مطلوب نمونه برابر با دویست نفر است. در پژوهش حاضر، طبق دیدگاه هویل (۱۱) و لولین (۱۲) ، برای دستیابی به نتایجی پذیرفتنی و با در نظر گرفتن این احتمال که بسیاری از پرسشنامه ها بصورت ناقص جواب داده شوند، تصمیم بر آن شد تا نمونه ای برابر با ۳۰۰ نفر با استفاده از روش نمونه گیری دردسترس انتخاب شود. از این تعداد، پرسشنامه های ۵۰ نفر از شرکت کنندگان پژوهش حذف شدند. در تحلیل نهایی اطلاعات پرسشنامه های ۲۵۰ آزمودنی وارد نرم افزار SPSS-24 شد.

برای جمع آوری داده‌ها از سه مقیاس خودگزارشی دهی طلاق عاطفی گاتمن، پرسشنامه سبک های دلبستگی و مقیاس دلزدگی زناشویی استفاده گردیده است.

مقیاس طلاق عاطفی گاتمن: مقیاس طلاق عاطفی که توسط گاتمن و سیلور (Silver) (۱۳) تدوین شده است، برای نخستین بار توسط جزایری در ایران ترجمه شد و مورد استفاده قرار گرفت. این مقیاس شامل جملاتی درباره جنبه های مختلف زندگی است که ممکن است فرد با آن موافق یا مخالف باشد که ۲۴ ماده دارد و به شیوه بله یا خیر باید به آن جواب داد. پاسخ بله امتیاز یک و پاسخ خیر صفر می گیرد. پس از جمع عبارات با یکدیگر، حداقل و حداکثر نمره فرد در

[Downloaded from rjms.iums.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.47176/rjms.32.121]

کل مقیاس به ترتیب صفر و ۲۴ است؛ بدین صورت که در نمره بین صفر تا هشت احتمال جدایی در زندگی ضعیف است. در نمره بین هشت تا ۱۶ احتمال جدایی متوسط و در نمره بالاتر از ۱۶ احتمال جدایی بالا است؛ بنابراین نمرات بالا در این مقیاس نشان می دهد که احتمال طلاق عاطفی بیشتر است. در نسخه اصلی ضریب پایایی مقیاس بالای ۰/۷۰ گزارش شده است. در نسخه ایرانی مقیاس از روش آلفای کرونباخ برای تعیین ضریب پایایی مقیاس استفاده شد و آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۳ بدست آمد (۱۴). همچنین در پژوهش بیات مختاری (۱۵) روایی محتوایی مقیاس مطلوب گزارش شده است.

مقیاس دلبستگی بزرگسال (AAI): مقیاس دلبستگی بزرگسال، که با استفاده از مواد آزمون دلبستگی هازن و شیور (Hazan, & Shaver) (۱۶) ساخته و در مورد نمونه هایی از جامعهٔ ایرانی هنجاریابی شده است (۱۷)، یک آزمون ۱۵ سؤالی است و سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا را در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت (هیچ=۱، کم=۲، متوسط=۳، زیاد=۴، خیلی زیاد=۵) می سنجد. حداقل و حداکثر نمرهٔ آزمودنی در زیرمقیاس های آزمون به ترتیب ۵ و ۲۵ خواهد بود. ضرایب آلفای کرونباخ پرسش های هر یک از زیرمقیاس های ایمن، اجتنابی و دوسوگرا در مورد یک نمونه (۱۴۸۰ نفر شامل ۸۶۰ دختر و ۶۲۰ پسر) برای کل آزمودنی ها به ترتیب۰/۹۱، ۰/۸۹، ۰/۸۸، برای زنان۰/۹۱، ۰/۹۰، ۰/۸۷ و برای مردان۰/۹۰، ۰/۸۹ و ۰/۸۷ محاسبه شد، که نشانهٔ همسانی درونی خوب مقیاس دلبستگی بزرگسال است. ضرایب همبستگی بین نمره های نمونهٔ ۳۰۰ نفری از آزمودنی ها در دو نوبت با فاصلهٔ چهار هفته برای سنجش پایایی بازآزمایی محاسبه شد. این ضرایب در مورد سبک های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا برای کل آزمودنی ها به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۳ و ۰/۷۴، برای زنان ۰/۸۶، ۰/۸۲، ۰/۷۵ و برای مردان ۰/۸۵، ۰/۸۱ و ۰/۷۳ محاسبه شد که نشانهٔ اعتبار بازآزمایی رضایتبخش مقیاس است. روایی محتوایی مقیاس دلبستگی بزرگسال با سنجش ضرایب همبستگی بین نمره های ۱۵ نفر از متخصصان روانشناسی مورد بررسی قرار گرفت. ضرایب توافق کندال برای سبک های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۶۱ و ۰/۵۷ محاسبه شد. روایی همزمان مقیاس دلبستگی بزرگسال از طریق اجرای همزمان مقیاس های مشکلات بین شخصی (۱۸) و حرمت خود کوپر اسمیت (Coopersmith) (۱۹) در مورد یک نمونهٔ ۳۰۰ نفری از آزمودنی‌ها ارزیابی و تأیید شد. نتایج تحلیل عوامل نیز با تعیین سه عامل سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا، روایی سازه مقیاس دلبستگی بزرگسال را تأیید کرد (۱۷)

مقیاس دلزدگی زناشویی: به منظور اندازه گیری میزان دلزدگی زناشویی زوجین از مقیاس ۲۱ سؤالی دلزدگی زناشویی پاینز استفاده شده است. در این مقیاس، نمرات بالاتر نشان دهندهٔ دلزدگی بیشتر است و حد بالای نمره، ۱۴۷ و حد پایین نمره، ۲۱ می باشد. این مقیاس دارای سه مؤلفه خستگی عاطفی، خستگی روانی و خستگی جسمی است. خستگی عاطفی را با سؤال‌های ۲، ۵، ۶، ۹، ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۱۷ و ۲۰، خستگی روانی را با سؤال های ۳، ۸، ۱۲، ۱۵، ۱۸ و ۱۹ و خستگی جسمی را با سؤال های ۱، ۴، ۷، ۱۰ و ۱۶ در طیف لیکرت از هرگز= یک تا همیشه= هفت ارزیابی می شود (۲۰). برای اولین بار در ایران توسط شاداب ترجمه شده است. خرده مقیاس خستگی جسمی دارای شش سؤال، خرده مقیاس خستگی روانی دارای هفت سؤال و خرده مقیاس خستگی عاطفی دارای هشت سؤال می باشد. همچنین، نویدی (۲۱) ضریب پایایی این پرسشنامه را با استفاده از آلفای کرونباخ در مورد ۲۴۰ نمونه ۰/۸۶؛ و ضریب پایایی به روش باز آزمایی را در فواصل یک، دو و چهار ماه ۰/۸۹، ۰/۷۶ و ۰/۶۶ درصد گزارش کرده است.

شیوهٔ اجرای پژوهش به این صورت بود که پس از هماهنگی با مسئولان دادگستری تبریز، ۲۵۰ نفر به شیوهٔ نمونه گیری در دسترس و با توجه به تکمیل کامل و همراه با دقت پرسشنامه های پژوهش، بعنوان نمونه وارد پژوهش شدند. سپس فرم رضایت اخلاقی شرکت در پژوهش در اختیار آزمودنی‌ها قرار گرفت و

[Downloaded from rjms.iums.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.47176/rjms.32.121]

به آنان اعلام شد که شرکت در پژوهش اختیاری است؛ همچنین به آنها اطمینان خاطر داده شد که اطلاعاتشان محرمانه خواهد ماند و فقط نتایج آن چاپ خواهد شد؛ بنابراین از آزمودنی ها درخواست شد تا در صورت صلاحدید فرم را تکمیل کنند. سپس آنها به پرسشنامه های پژوهش پاسخ دادند.

در این راستا، داده‌های بدست آمده از پرسشنامه‌ها در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی ارائه گردید. در آمار توصیفی، با استفاده از نرم افزار آماری SPSS، داده‌ها در قالب میانگین، انحراف استاندارد و همبستگی بین آنها ارائه شد. در آمار استنباطی، با استفاده از نرم افزارهای آماری SPSS-24 و LISREL-8.80 فرضیه‌ها و سؤال‌ها مورد بررسی قرار گرفتند.

یافته‌ها

مجموع افراد شرکت کننده در این پژوهش نفر۲۵۰ بودند، که ۱۲۲ نفر مرد (۴۸/۸ ٪) و ۱۲۸ نفر زن (۵۱/۲ ٪) تشکیل داده بودند. همچنین، میانگین سنی (انحراف معیار) مردان برابر ۲۷/۷۰ (۳/۰۸) و میانگین سنی (انحراف معیار) زنان برابر ۲۶/۵۹ (۳/۲۴) بود. در کنار یافته های جمعیت شناختی، با هدف تحلیل استنباطی داده ها ابتدا پیش فرض های مرتبط با آمار پارامتری و آزمون های مرتبط با برازش مدل بررسی شد. نتایج آن در جدول ۱ گزارش شده است.

با توجه به نتایج جدول ۱، پیش فرض نرمال بودن داده ها رد نشد؛ بنابراین داده ها برای تحلیل همبستگی دومتغیری پیرسون و معادلات ساختاری قابل استفاده بود.

با بررسی ضریب همبستگی دومتغیری می توان گفت که بین سبک های دلبستگی و دلزدگی زناشویی و طلاق عاطفی همبستگی بالایی وجود دارد. براساس جدول ۲، میان سبک دلبستگی ایمن با دلزدگی زناشویی و طلاق عاطفی هم تغییری منفی و بالایی مشاهده شد؛ یعنی با افزایش سبک دلبستگی ایمن، دلزدگی زناشویی و طلاق عاطفی کاهش می یابد و با کاهش آن نیز افزایش می یابد. همچنین، میان سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا با دلزدگی زناشویی و طلاق عاطفی هم تغییری مثبت و بالایی وجود داشت؛ یعنی با افزایش سبک های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا، دلزدگی زناشویی و طلاق عاطفی افزایش می یابد و با کاهش آنها نیز کاهش می یابد. بین دلزدگی زناشویی و طلاق عاطفی هم تغییری مثبت و بالایی وجود داشت. در کنار بررسی همبستگی های دومتغیری که امکان استنباط سطحی از یافته های

جدول ۱- شاخص‌های توصیفی مرتبط با متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین (انحراف استاندارد)	چولگی	کشیدگی
دلبستگی ایمن	۱۵/۹۳ (۴/۴۳)	-۰/۳۰۱	-۰/۵۶۱
دلبستگی اجتنابی	۱۱/۰۲ (۳/۷۶)	۰/۶۶۹	-۰/۲۳۳
دلبستگی دوسوگرا	۹/۰۲ (۲/۶۸)	۰/۹۶۹	-۰/۰۳۲
دلزدگی زناشویی	۶۷/۸۸ (۲۰/۰۴)	۱/۲۰۶	۱/۹۹۵
طلاق عاطفی	۵/۷۱ (۳/۴۴)	۰/۵۲۵	-۰/۱۹۰

جدول ۲- نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش

متغیر	دلبستگی ایمن	دلبستگی اجتنابی	دلبستگی دوسوگرا	دلزدگی زناشویی	طلاق عاطفی
دلبستگی ایمن	۱				
دلبستگی اجتنابی	-۰/۵۹۳**	۱			
دلبستگی دوسوگرا	-۰/۱۵۶**	۰/۳۶۶**	۱		
دلزدگی زناشویی	-۰/۴۴۷**	۰/۶۱۹**	۰/۱۳۰*	۱	
طلاق عاطفی	-۰/۲۲۰**	۰/۴۵۵**	۰/۱۳۴*	۰/۲۲۰**	۱

**P< ۰/۰۱

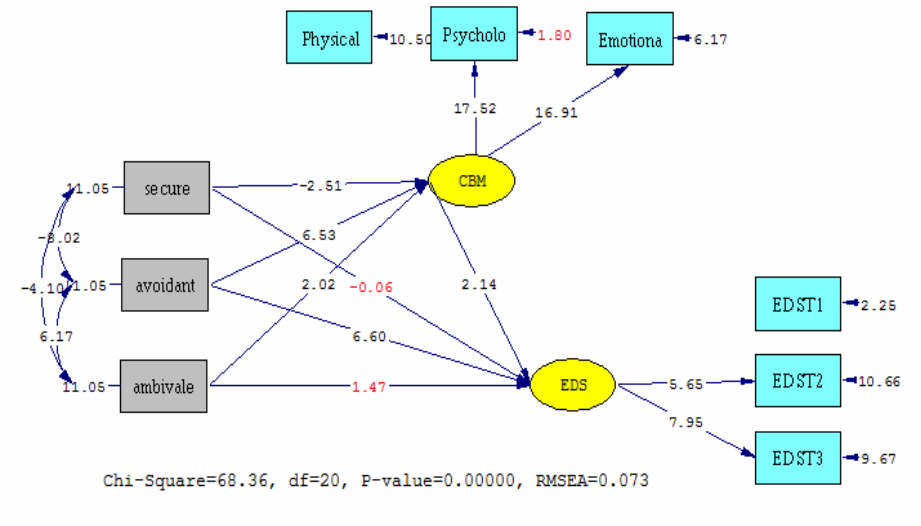
*P< ۰/۰۵

[Downloaded from rjms.iums.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.47176/rjms.32.121]

جدول ۳- شاخص‌های برازش مربوط به تحلیل مدل سبک‌های دلبستگی

شاخص برازندگی	دامنه قابل پذیرش	مقدار
خی‌دو (χ^2)	–	۱۱۳/۰۶
درجه آزادی (df)	–	۲۸
نسبت خی‌دو به درجه آزادی	کم‌تر از ۵	۴/۰۳
شاخص برازندگی هنجارشده (NFI)	بزرگتر از ۰/۹۰	۰/۹۰
شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)	بزرگتر از ۰/۹۰	۰/۹۲
شاخص برازندگی فزاینده (IFI)	بزرگتر از ۰/۹۰	۰/۹۲
شاخص نیکویی برازش (GFI)	بزرگتر از ۰/۹۰	۰/۹۱
ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA)	کم‌تر از ۰/۰۸	۰/۰۷۷
ریشه میانگین مربعات باقیمانده استاندارد شده (SRMR)	کم‌تر از ۰/۰۸	۰/۰۶۵



شکل ۱- مدل برازش شده با معادلات ساختاری براساس ضرایب استاندارد شده

پژوهش را ممکن می کند، با هدف آزمون برازش مدل از تحلیل معادلات ساختاری استفاده شده است که نتایج آن در جدول ۳ گزارش شده است.

با بررسی شاخص های برازش مدل می توان دریافت، مجذور خی که حاصل نسبت χ^2بر df است، در آستانه پذیرفتنی قرار دارد و همپوشی بین مدل نظری و داده های پژوهش را نشان می دهد. با این حال، با توجه به تأثیرپذیری این شاخص از حجم نمونه از سایر شاخص ها استفاده شد. بررسی سایر شاخص‌ها در جدول مشخص می کند که از میان آنها ریشه میانگین خطای برآورد (RMSEA) ۰/۰۷۷، شاخص برازش مقایسه ای (CFI) ۰/۹۲، برازندگی نرم شده (NFI) ۰/۹۰ و شاخص نکویی برازش (GFI) ۰/۹۱ در حد مجاز و پذیرفتنی است. با توجه به اینکه تمامی شاخص های برازش در دامنه مجاز بودند، می توان گفت که داده های گردآوری شده با مدل پیشنهادی پژوهش تناسب داشتند. بنابراین مدل پیشنهادی از حمایت برخوردار بود و تایید شد.

در مطالعه حاضر برای ارزیابی روابط میانجی گری از آزمون بوت استراپ (Bootstrap) استفاده شد. بوت استراپ قدرتمندترین و منطقی ترین روش را برای ارزیابی اثرات غیر مستقیم فراهم می آورد. ارزیابی معنی داری این روابط را می توان به دو طریق بررسی کرد. روش اول با مراجعه به سطوح معنی داری و روش

[Downloaded from rjms.iums.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.47176/rjms.32.121]

جدول ٤- نتایج آزمون بوت استراپ برای اثرات واسطه‌ای

	متغیر مستقل	متغیر واسطه‌ای	متغیر وابسته	ضریب استاندارد	خطای استاندارد	دامنه پایین ٪ ۹۵	دامنه بالای ٪۹۵	سطح معنی داری	تایید یا رد فرضیه
مدل سبک های دلبستگی	ایمن	دلزدگی زناشویی	طلاق عاطفی	-۰/۰۲۴	۰/۰۰۹	-۰/۰۲۱	-۰/۰۰۶	۰/۰۴۱	تایید
	اجتنابی	دلزدگی زناشویی	طلاق عاطفی	۰/۰۷۰	۰/۰۶۰	-۰/۱۰۸	-۰/۰۳۶	۰/۰۲۴	تایید
	دوسوگرا	دلزدگی زناشویی	طلاق عاطفی	۰/۰۱۶	۰/۰۲۶	-۰/۰۱۷	۰/۰۶۷	۰/۷۴۶	رد

دوم با بررسی فاصله های اطمینان. در صورتی که حد بالا و پایین با فاصله اطمینان ۹۵٪ برای مسیر واسطه ای هم علامت باشند (هر دو مثبت یا هر دو منفی) و یا به عبارتی مقدار صفر بین این دو حد قرار نگیرد مسیر مورد نظر در سطح ۰/۰۵ >p معنی دار است. جدول ۴ نتایج آزمون بوت استراپ را گزارش کرده است.

نتایج جدول شماره ۴ نشان می دهد مسیر سبک دلبستگی ایمن و اجتنابی به طلاق عاطفی با واسطه‌گری دلزدگی زناشویی به ترتیب با ضرایب استاندارد ۰/۰۲۴- و ۰/۰۷۰ در سطح ۰/۰۵ > p معنی دار است. بنابراین، با توجه به نتایج آزمون بوت استرپ، سبک دلبستگی ایمن و اجتنابی با واسطه گری دلزدگی زناشویی اثر معنی داری بر طلاق عاطفی دارد. در حالی که، مسیر سبک دلبستگی دوسوگرا به طلاق عاطفی با واسطه‌گری دلزدگی زناشویی با ضریب استاندارد ۰/۰۱۶ در سطح ۰/۰۵ > p معنی دار نیست. بنابراین، با توجه به نتایج آزمون بوت استرپ، دلبستگی دوسوگرا با واسطه گری دلزدگی زناشویی اثر معنی داری بر طلاق عاطفی ندارد.

بحث

هدف از پژوهش حاضر بررسی روابط ساختاری عامل سبک‌های دلبستگی بر طلاق عاطفی با میانجی گری دلزدگی زناشویی بود. یافته ها نشان داد بین سبک دلبستگی اجتنابی با طلاق عاطفی رابطه مثبت معنادار وجود دارد. این یافته ها در راستای پژوهش صابونچی، دوکانی فرد و بهبودی (۲۲)، جزایری، دلاور و دورتاج (۲۳)، صمدی کاشان، جعفری، محمودپور و قاسمزاده (۲۴)، محمدی مهر و آیت اله کریمی (۲۵)، هیرشبرگر، سیریواستاوا، مارش، کووان و کووان (۲۶)، مامی و عسگری (۱۴)، حیدری و اجتماعی سنگری (۲۷) می باشد. از طرف دیگر، نتایج پژوهش حاضر نشان داد که سبک دلبستگی دوسوگرا با طلاق عاطفی ارتباط معناداری ندارد که به نتایج همسو با تحقیقات قبلی دست نیافت.

در تبیین نتایج می توان چنین عنوان کرد که عوامل مهمی در سال های اخیر با طلاق عاطفی زوجین تأثیرگذار بوده است که لازم است به آنها توجه لازم مبذول شود زیرا که وجود بعضی از عوامل مانند سبک‌های دلبستگی هر یک از زوجین می‌تولند بر طلاق عاطفی و دلزدگی زناشویی تأثیرگذار باشد. تجارب اولیه هر یک از زوجین با واللدین و یا نوع رابطه هیجانی فرد با والدین خود در دوران کودکی از جمله این عوامل در بروز طلاق عاطفی در روابط زوجین به شمار می آید. در این راستا، نظریه سبک دلبستگی، بر روابط اولیه در محیط خانواده تأکید کرده و آن را بر روابط بعدی مؤثر می داند. آنها سبک های دلبستگی را به عنوان عوامل پایدار تلقی کرده و پیشنهاد می کنند که چگونه خانواده مبدأ شخص می تواند بر روابط زناشویی اثر بگذارد. مطالعات مبتنی بر آسیب شناسی تحولی نیز رابطه بین تجارب منفی اولیه خانوادگی و مشکلات افراد بزرگسال در انجام تکالیف تحولی و مشکلات روانشناختی و شبکه های معیوب زناشویی را مورد تأکید قرار می دهند. بالبی (۴) بر این عقیده بود که نظریه دلبستگی تنها یک نظریه تحول کودک نیست، بلکه نظریه تحول در فراخنای زندگی نیز می

[Downloaded from rjms.iums.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.47176/rjms.32.121]

باشد. بالبی اظهار می دارد که دلبستگی، پیوند هیجانی پایدار بین دو فرد می باشد به طوری که یکی از دو طرف کوشش می کند نزدیکی و مجاورت با موضوع دلبستگی را حفظ کرده و به گونه ای عمل کند تا مطمئن شود که ارتباط ادامه می یابد. بالبی (۴) بر این باور است که این گره های هیجانی متقابل که به نزدیکی مادر و کودک منجر می شود، نخستین تجلی های دلبستگی پیش بینی رضایت زناشویی براساس سبک های دلبستگی محسوب می شود. دلبستگی، نگهدارنده نزدیکی متقابل بین دو فرد در تمام مراحل زندگی است. بر همین اساس الگوهای فعال درونی از چهره دلبستگی یعنی باورها، انتظارات و احساس های فرد در مورد حساسیت و پاسخ دهندگی چهره دلبستگی و شامل ارزش شایستگی هایی می شود که فرد برای خود در دریافت توجه و محبت از دیگران قایل می شود. در نتیجه، کیفیت روابط مادر- کودک در دوران کودکی در تحول الگوهای فعال درونی از اهمیت ویژه ای برخوردار است و روابط نزدیک و صمیمانه در بزرگسالی نیز تحت تاثیر همین الگوهای فعال درونی قرار می گیرند.

روشن است که در زندگی مشترک افرادی که سبک دلبستگی ایمن دارند، از این رابطه بیشتر رضایت دارند و تعهد بیشتری هم نشان می دهند. آنان به شریک زندگی شان اعتماد می کنند و از زندگی لذت بیشتری می برند. کسانی که سبک دلبستگی اجتنابی را دارند، ممکن است در رابطه ازدواج هم، دلبستگی و علاقه محکم و شدیدی نداشته باشند. از این رو شاید هنگام قطع رابطه کمتر ناراحت شوند اما از رابطه موجود هم زیاد لذت نمی برند و زندگی برایشان شیرین و رضایت بخش نیست. بر همین اساس هر سبکی از دلبستگی، در حقیقت بر معیارهای شخصی زوجین اثر می گذارد و آن ها نیز براساس همین سبک دلبستگی، نسبت به خودشان و شریک زندگی شان، قضاوت می کنند و رضایت یا عدم رضایت از زندگی مشترک را به آن ها بر می گردانند.

بطور کلی، دلبستگی ایمن بیانگر دیدگاه مثبت و دلبستگی ناایمن بیانگر دیدگاه منفی نسبت به خود و دیگران است. در نتیجه دلبستگی ناایمن با عدم برقراری روابط بین فردی پایدار و استفاده از راهبردهای مقابله ای ناسازگار همراه است که این عوامل نخست باعث کاهش روابط مثبت و سازنده با همسر و در نهایت باعث طلاق عاطفی می شود.

همچنین یافته ها نشان داد بین سبک دلبستگی ایمن و دلزدگی زناشویی رابطه منفی معنادار و بین سبک های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا رابطه مثبت دوسوگرا وجود دارد. نتایج پژوهش حاضر با یافته های بطلانی، احمدی، بهرامی، شاه سیاه و محبی (۲۸) (۱۳۸۹)، غفوری، گل پرور، مهدی زادگان (۲۹) (۱۳۸۷) و نوروزی و نوابی نژاد (۳۰) (۱۴۰۰) همسو می باشد.

در تبیین این یافته می توان گفت سیستم های دلبستگی در جریان وقایع استرس زای زندگی از قبیل تعارض ها فعال شده و در موقعیت های تعارض زا از هر یک از سبک های دلبستگی رفتارها و تظاهرات هیجانی خاصی سر بر می آورد. بنابراین داشتن سبک دلبستگی ناایمن (اجتنابی و دوسوگرا) باعث می شود افراد تجارب رمانتیک و ارتباطی خود را از دیدگاه منفی بنگرند و کیفیت زندگی زناشویی آنها تحت تأثیر قرار می گیرد و منجربه دلزدگی زناشویی می گردد. همچنین همسران در رابطه با یکدیگر صمیمیت نداشته و در جریان بروز مشکلات حامی یکدیگر نیستند و انباشته شدن فشارهای روانی تضعیف کننده عشق و افزایش تدریجی خستگی و یکنواختی و جمع شدن رنجش های کوچک به بروز افسردگی و دلزدگی کمک می کند. از آنجا که افراد دارای سبک دلبستگی اجتنابی قادر به برقراری روابط عمیق و صمیمی با دیگران نیستند تعارض های بین فردی بیشتری را با همسر تجربه می کنند که خود می تولند یک عامل قوی و زمینه ساز برای دلزدگی زناشویی باشد.

پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آتی، به منظور استنتاج روابط علی و شفاف کردن توالی زمانی بین متغیرهای پژوهش، مطالعات طولی هم انجام پذیرد. همچنین، با توجه به اینکه مسائل فرهنگی در زندگی زناشوئی افراد تأثیر دارد، پیشنهاد می شود این پژوهش

[Downloaded from rjms.iums.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.47176/rjms.32.121]

در سایر شهرهای کشور توسط پژوهشگران انجام و نتایج آن با پژوهش حاضر مقایسه گردد.

این مطالعه دارای چند محدودیت بود. ابتدا اینکه مطالعه حاضر روی متقاضیان طلاق که جمعیت نسبتاً همگنی هستند، انجام شده است؛ بنابراین، در تعمیم نتایج به جمعیت های دیگر محدودیت وجود دارد. محدودیت دیگر اینکه ماهیت مقطعی مطالعه حاضر، مانع استنتاج های علی و شناخت دقیق ماهیت واقعی روابط بین متغیرهای پژوهش می شود. احتمال زیادی وجود دارد که ترتیب زمانی شکل گیری متغیرها براساس مدل فرضی ارائه شده باشد؛ با وجود این، قطعاً نمی توان بر پایه این مطالعه حالت های جایگزین دیگر را رد کرد. سرانجام اینکه مشخص نیست نمرات حاصل از این ابزار تا چه اندازه با رفتارهای واقعی در زندگی روزمره مرتبط است.

نتیجه‌گیری

در مجموع، مطالعه حاضر نقص در کارکرد سبک‌های دلبستگی خود را در قالب طلاق عاطفی و دلزدگی زناشویی نشان می‌دهد. بدین معنا که تعامل این بدکارکردی‌ها باعث می‌شود تا فرد در موقعیت‌های تعارضی، پاسخ‌هایی را انتخاب نماید که در قالب رفتارهای نامناسب و شاید تکانشی بروز یابد. در این میان، همچنین سبک‌های دلبستگی بر نوع برون داد رفتاری فرد تأثیرگذار هستند و محیط که در نقش پردازشگر و هستهٔ شناختی شخصیت عمل می کند فرد را نسبت به نابهنجاری‌های رفتاری آسیب‌پذیرتر می‌کند.

تقدیر و تشکر

از کارکنان و شرکت کنندگان شعبات دادگاه های خانواده تبریز که در این پژوهش همکاری نمودند، نهایت تشکر را داریم.

ملاحظات اخلاقی

تمامی ملاحظات اخلاقی در مطالعه رعایت شد.

مشارکت نویسندگان

تمامی مراحل پژوهش از شکل‌گیری ایده اولیه تا آماده‌سازی نسخه نهایی مقاله به‌صورت مستقل توسط نویسنده صورت گرفته است. سپس، مقاله توسط اساتید راهنما/مشاور مورد بازنگری علمی و ویرایشی قرار گرفته و پیشنهادهای اصلاحی آنان در جهت ارتقای کیفیت علمی و شفافیت متن اعمال گردیده است.

References

1. Hajiani E, Haghighatian M, Keshavarz H, Yazdani A. An analysis of quality of life among emotional divorced women (case study: Shahrekord). Socio Cult Strategy J. 2013;2(6):159-185. Persian.
2. Bohannan P. The six stations of divorce. In: Bohannan P, editor. Divorce and after: an analysis of the emotional and social problems of divorce. Garden City (NY): Doubleday; 1970. p. 33-62.
3. Gottman JM. The marriage clinic: a scientifically based marital therapy. New York: W.W. Norton & Company; 1999.
4. Bowlby J. Attachment and loss. Vol. 3, Loss: sadness and depression. New York: Basic Books; 1980.
5. Goldenberg H, Goldenberg I. Family therapy: an overview. 8th ed. Belmont (CA): Brooks/Cole, Cengage Learning; 2013.
6. Cann A, Norman MA, Welbourne JL, Calhoun LG. Attachment styles, conflict styles and humour styles: interrelationships and associations with relationship satisfaction. Eur J Pers. 2008;22(2):131-146. doi:10.1002/per.666.
7. Ainsworth MDS, Blehar MC, Waters E, Wall S. Patterns of attachment: a psychological study of the strange situation. Hillsdale (NJ): Lawrence Erlbaum Associates; 1978.
8. Kleinke CL. Coping with life challenges. 2nd ed. Pacific Grove (CA): Brooks/Cole; 1998.
9. Johnson SM, Denton W. Emotionally focused couple therapy: creating secure connections. In: Gurman AS, Jacobson NS, editors. Clinical handbook of couple therapy. 3rd ed. New York: Guilford Press; 2002. p. 221-250.
10. Pines AM. Teacher burnout: a psychodynamic existential perspective. Teach Teach Theory Pract. 2002;8(2):121-140. doi:10.1080/13540600220127331.
11. Hoyle RH, editor. Structural equation modeling: concepts, issues, and applications. Thousand Oaks (CA): Sage Publications; 1995.
12. Loehlin JC. Latent variable models: an

[Downloaded from rjms.iums.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.47176/rjms.32.121]

introduction to factor, path, and structural equation analysis. 4th ed. Mahwah (NJ): Lawrence Erlbaum Associates; 2004.

13. Gottman JM, Silver N. Success or failure in marriage. Jazayeri A, translator. Tehran: Khojasteh Publishing; 2008. Persian.

14. Mami S, Asghari M. The role of self-differentiation and attachment styles in predicting emotional divorce. In: Proceedings of the Regional Conference on Divorce Pathology; 2014; Saqqez, Iran. Saqqez: Islamic Azad University, Saqqez Branch; 2014. Persian.

15. Bayat Mokhtari S. The effectiveness of group reality therapy on reducing emotional divorce and its psychological consequences [master's thesis]. Mashhad: Faculty of Educational Sciences and Psychology, Ferdowsi University of Mashhad; 2012. Persian.

16. Hazan C, Shaver PR. Romantic love conceptualized as an attachment process. J Pers Soc Psychol. 1987;52(3):511-524. doi:10.1037/0022-3514.52.3.511.

17. Besharat MA. Adult attachment inventory: questionnaire, instruction and scoring key (Persian version). Dev Psychol Iran Psychol. 2013;9(35):317-320. Persian.

18. Horowitz LM, Rosenberg SE, Baer BA, Ureño G, Villaseñor VS. Inventory of interpersonal problems: psychometric properties and clinical applications. J Consult Clin Psychol. 1988;56(6):885-892. doi:10.1037/0022-006X.56.6.885.

19. Coopersmith S. Manual of the Coopersmith Self-Esteem Inventories (SEI). Palo Alto (CA): Consulting Psychologists Press; 1990.

20. Pines AM. What can we do so that dream love does not lead to boredom? Shadab F, translator. Mashhad: Quds Press; 2002. Persian.

21. Navidi F. Investigating and comparing the relationship between marital boredom and organizational climate factors in staff of education departments and nurses of Tehran hospitals [master's thesis]. Tehran: Shahid Beheshti University; 2005. Persian.

22. Saboonchi F, Dokaneifard F, Behbodi M. Structural model of marital satisfaction based on attachment styles and early maladaptive schemas with mediation of sensation seeking. Q Appl Psychol. 2020;14(1):119-138. doi:10.52547/apsy.14.1.119.

23. Jazayeri SH, Delavar A, Dortaj F. The relationship between personality characteristics, emotional intelligence, attachment style and voluntary activities, and the happiness of employed women. Yafte. 2018;20(3):67-82. Persian.

24. Samadi Kashan S, Jafari F, Mahmoodpour A, Ghasemzadeh S. Prediction of divorce and loneliness tendency based on attachment styles with respect to the role of mediation self-differentiation. Couns Res Dev. 2019;17(68):128-151. Persian.

25. Mohammadimehr Z, Karimi Baghmalek A. The relationship between emotional intelligence, attachment styles and optimism with marital satisfaction. Interdiscip J Educ. 2017;1(2):50-58. Persian.

26. Hirschberger G, Srivastava S, Marsh P, Cowan CP, Cowan PA. Attachment, marital satisfaction, and divorce during the first fifteen years of parenthood. Pers Relatsh. 2009;16(3):401-420. doi:10.1111/j.1475-6811.2009.01230.x.

27. Heidari H, Ejtemae Sangari N. Predicting emotional divorce of couples based on secure and insecure attachment styles. In: Proceedings of the First International Conference on New Research in Humanistic Sciences; 2015; Tehran, Iran. Tehran: Institute of Managers Idepardaz; 2015. Persian.

28. Botlani S, Ahmadi A, Bahrami F, Shahsiah M, Mohebbi S. Effect of attachment-based couple therapy on sexual satisfaction and intimacy. J Fundam Ment Health. 2010;12(46):496-505. doi:10.22038/jfmh.2010.1089.

29. Ghafouri Varnoosfaderani MR, Golparvar M, Mahdizadegan I. A study of attachment styles and religious attitudes as predictors of success or failure of marital relationship. J Res Behav Sci. 2010;7(2):143-153. Persian.

30. Nowrozi S, Navabinejad S. The predictive role of attachment styles in marital burnout of married women in Tehran. Stud Res Behav Sci. 2021;3(6):117-126. Persian.

[Downloaded from rjms.iums.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.47176/rjms.32.121]